

نشریه الکترونیکی کمیته  
بین المللی علیه اعدام

# علیه اعدام ۴۷

جمعه، ۲۱ مهر ۱۳۸۵، ۱۳ اکتبر ۲۰۰۶

مجازات اعدام  
شنیع ترین شکل  
قتل عمد است

[www.adpi.net](http://www.adpi.net)

Tel:0046733684151

[babakshadidi@yahoo.com](mailto:babakshadidi@yahoo.com)

سر دبیر: بابک شادیدی



## برای متوقف کردن احکام اعدام همکاری جهانی لازم است!

افسانه وحدت، فعال جنبش بین المللی علیه اعدام

<p>گردد عزیزانشان با هر اتهام و جرمی که دارند، درآورد. انگار نگاههای عاجز دختر نوجوان فاطمه حقیقت پژوه، با چشمان اشکبار پدر</p> <p>صفحه ۲</p>	<p>کودک و زنی که درخطر اعدام فوری اند، برای آنها که حتی نامشان هم به بیرون درز نکرده، برای خانواده هایی که منتظرند تا درخارج کشور بشود کاری کرد و طناب نفرت مرگ را از</p>	<p>شده بود که در باره اعدام در ایران بخصوص اعدام کودکان سخنرانی کنم. شب هنگام فرصت داشتم که به دوشنبه فکر کنم، برای دفاع از دهها</p>	<p>دوشنبه ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام بود. به همین مناسبت سازمان عفو بین الملل در استکهلم سمیناری برگزار کرد. از من بعنوان فعال کمیته بین المللی علیه اعدام دعوت</p>
---	---	--	--

### جمعه 13 اکتبر، روز تعیین شده برای اعدام کبرا

رحمانپور است.

به یمن اعتراضات گسترده در ایران و در دنیا، کبرا اعدام نمیشود.

<p>اجرا نمیشود. پرونده کبرا بعد از عدم نتیجه گیری در شورای حل اختلاف، برای دفتر شاهرودی ارسال شده و تا کنون برای اجرای احکام یعنی محل اجرای حکم ارسال نشده است.</p> <p>صفحه ۴</p>	<p>کبرا رحمانپور در زندان اوین، با نگرانی اخبار را تعقیب میکند و فردا روزی است که حکومت اسلامی اعلام کرده بود، کبرا را مجددا پای جوخه اعدام میبرد. طبق اخباری که به دست کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده است، فردا این حکم اجرا</p>
---	--

### دبیر کل عفو بین الملل، حکومت ایران را به لغو سنگسار فرا می خواند

<p>«من با تمام قلب با کسانی که در ایران، با شجاعت زیاد و با تحمل خطرات نه چندان کوچک برای خود، برای پایان دادن به مجازات اعدام به وسیله سنگسار مبارزه می کنند همراه هستم. وحشتناک است که علاوه بر توقف این نوع از کشتن که به قرار اطلاع از</p> <p>صفحه ۳</p>	<p>عفو بین الملل اطلاعیه مطبوعاتی ایران: آیرین خان، دبیر کل عفو بین الملل، حکومت ایران را به لغو سنگسار فرا می خواند آیرین خان، دبیر کل عفو بین الملل، به مناسبت چهارمین روز جهانی علیه مجازات اعدام اظهار داشت:</p>
--	--

### متن مصاحبه رادیو شراره ها با زهرا حقیقت پژوه و مینا احدی

صفحه ۵



### برنامه های نازنین افشین جم در اروپا برای دفاع از حقوق بشر در ایران

صفحه ۵



# اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!

از صفحه ۱

کبری رحمانپور، چهر دردمند شهلا جاهد و - - در هم می پیچید، و هجوم تند احساسی دردناک و لوج که بر باریکه ای از مرگ و هستی در کشمکش هستند را فراهم می کرد. تمامی شب را با یاد آنها سپری کردم، دهها بار خودم را به جای همه آنها گذاشتم و ناباورانه احساس کردم اینها چقدر ساکتند! چقدر کم فریاد زده اند. چقدر کم از حق حیانتشان دفاع کرده اند.

به یاد لحظاتی افتادم، که در کنار دیگرانی که همه آنها شتابان می کوشند تا این روزها به مدد تلاشهای بین المللی در محافل و نهادهای انساندوست و مدافع حقوق بشر، بشود کاری کرد. اربابه مرگ را از حرکت باز نگه داشت، طناب دار را از دستهای کریه جلا گرفت و به عمر مرگ و کشتار خاتمه داد.

برایم شرکت در سمینار علیه اعدام اهمیت داشت، هم اینکه اولین باری بود که در چنین کنفرانسی شرکت می کردم و هم از آنرو که سخن گفتن از مرگ اصلا کار آسانی نیست. پس باید از همه وقتم استفاده کنم و فقط از ارزش زندگی بگویم تا کراهت مرگ و کشتار و اعدام دو چندان نمایان شود.

با تمامی سوداها، شب تمام شد و خودش را به دست حوادث روز سپرد. منم تمامی یادداشتهایم را به کناری گذاشتم و تنها قلب پر دردم را با خود برداشتم که در کنفرانس فقط و فقط آنرا مینا قرار دهم.

سالن کنفرانس را در مرکز شهر استکهلم پیدا کردم. فکر کنم اولین کسی بودم که به محل رسیده بودم. تک، تک افراد می آمدند. طبیعی بود که هر که می آید مخالف جان ستانی از انسانهاست و این

و این پیشاپیش حس احترامی را به فردی که نمی شناسم، ایجاد می کرد.

راس ساعت مقرر جلسه رسمیت یافت. فضا بسیار صمیمی و دوستانه بود. چهره ها دوست داشتنی و بی تکلف بودند. احساس نمی شد که جایگاه پانل با دیگر حاضرین در سالن فاصله ای دارد، به شکلی دل انگیز همه بر این باورند که کشتار انسانها بدست دولتها قتل عمد دولتی است و این قوت قلب بزرگی است.

سخنرانانی از کشورهای مختلف در این سمینار شرکت کرده بودند که احکام اعدام در آنها کماکان از سوی آن دولتها صادر می گردد. و هر کدام تم سخنانی ویژه خود را داشتند.

خانم رز ماری اسک در مورد کشور نیجریه و قوانین شریعه حاکم بر این کشور صحبت کرد. از بی حقوقی زنان و قانونن قصاص که در این کشور اجرا میشود و اینکه سنگسار جزو قوانین جاری این کشور است سخن گفت.

سخنران دیگری در باره اعدام در کشور چین و اینکه دولت چین چه شیوه هائی بکار میرد که اعدامها برایش ارزان تمام شود! سخن گفت.

مهین علیپور از کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران از موارد بی حقوقی زنان و ویژگی اعدام زنان در ایران بعنوان یک مسئله مهم اجتماعی سخن گفت و اعلام کرد که متن سخنانش را به زودی چاپ خواهد کرد.

وقتی نوبت من شد همان کاری را کردم که قلبم می گفت، یادداشتهای درونم را خوندم! صحبتیم را با بخشی از نامه کبری رحمان پور آغاز کردم برای آنکه فریاد کبرا یک لحظه مرا امان نمی دهد، برای اینکه تمامی روز و شب مرا بهم گره زده است.

تمامی آن کلمات انگار از قلب من و از دهان کبری جاری می شود!

گفتم فریاد استمداد کبری از کشوری میاید که در آن اسلام سیاسی حقوق اولیه مردم را به وحشیانه ترین شکلی زیر پا میگذارد، از کشوری که مردمش حق انتخاب لباس خود را ندارند، زنان مجبورند بر طبق قوانین اسلام حجاب داشته باشند و زیبایی های بدنشان را از نگاه مردان بپوشانند. اگر زنان حجابشان را رعایت نکنند شلاق و زندان در انتظارشان است. در ایران مردم به جرم داشتن نظر مخالف شکنجه و اعدام میشوند.

در ایران اسلامی کودکان به شدیدترین وجهی مجازات میشوند چرا که بنا به قوانین اسلام یک دختر ۹ ساله زن محسوب میشود و یک پسر ۱۵ ساله مرد، که این با کنوانسیون حقوق کودکان آشکارا در تضاد است. به همین دلیل کسانی که به نام زن یا مرد "عاقل و بالغ" اعدام میشوند طبق معیار جهان متمدن کودک اند. ایران بالاترین تعداد کودکان اعدامی در دنیا را دارد. سپس ادامه داد: در خبرها می شنویم که کسی در ایران به ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده است ولی آیا هیچوقت تصور کرده اید این در عمل یعنی چه؟ در همین لحظه همان کاری را کردم که خودم می کنم؛

از حاضرین خواستم لحظه ای خود را به جای دختر بچه ای بگذارند که مثلا حجاب خود را "خوب" رعایت نکرده. او را به نیمکتی می بندند. با اولین ضربه شلاق فریادش به آسمان می رسد، با دومین ضربه اشک اش در می آید. ضربات زیادی لازم نیست تا خون از بدنش جاری شود ولی آیا این باعث می شود که جلا از ادامه شکنجه دست بردارد؟ گفتم مجازات

رابطه جنسی خارج از ازدواج در ایران سنگسار است. همین امروز هشت زن محکوم به این مجازات غیر انسانی و وحشیانه در زندان های جمهوری اسلامی در انتظار سنگسار به سر می برند. آیا به کسی که سنگسار می شود فکر کرده اید؟ من فکر کرده ام!

وقتی که ژیلای ۱۴ ساله را می خواستند سنگسار کنند. احساس می کردم خودم را تا سینه در زمین چال کرده اند و به سر و رویم از هر سو سنگ پرتاب می کنند. حس می کردم چشمانم متلاشی میشود، دیگر اعضای صورتم یکی پس از دیگری آتش و لاش می شوند. چطور میتوانم ساکت باشیم وقتی خبر سنگسار و اعدام در جانی می شنویم؟ چطور میتوان بی تفاوت بود وقتی چنین وحشیگریهای قرون وسطایی ای در بخشی از جهان صورت میگیرد؟

حاضرین به شدت تحت تاثیر قرار گرفته بودند. در ادامه به سیاست مماشات دول غربی با اسلام سیاسی اشاره کردم و اینکه چگونه منافع سیاسی و استراتژیک دولتها، باعث میشود دفاع از حقوق بشرشان به شعاری بی محتوی تبدیل شود و نیز اشاره کردم چگونه مردم آزادیخواه سکولار و متمدن جهان میتوانند بر سیاست های مماشات طلبانه دولت خود اثر بگذارند و اینکه پارلمان اروپا و سازمان ملل هم از ترس کدر شدن رابطه با ایران عملا فشاری به دولت ایران نمی آورند.

در ادامه من در مورد شیوه استثنائی کار کمیته علیه اعدام توضیحاتی دادم. اینکه چگونه ما می توانیم با زندانیان ارتباط بگیریم و تا حدو زیادی از اعدامها در ایران با خبر شویم

- خبرو عکس محکوم به اعدام را به سرعت پخش کنیم، خبر را جهانی کنیم. با

دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام مینا احدی

تلفن:

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴

۱۳

ای میل:

minaa-hadi@aol.com

سایت کمیته:

www.adpi.net

با خانواده و وکیل اعدامی تماس بگیریم و به این ترتیب جان بسیاری را از مرگ نجات دهیم.

در پایان از همه حاضرین که مثل خود من اشک در چشمانشان بود خواستم که این جلسه را به یک اتحاد و هماهنگی جدی برای انجام کاری و نه فقط سخنرانی بدل کنیم. تاکید کردم که من و شما برای انجام کاری که همانموقف کردن احکام اعدام در هر گوشه دنیاست به این کنفرانس آمده ایم. اگر الان شبکه خود را تقویت نکنیم وقت و انرژی زیادی را از دست داده ایم.

جلسه با پرسش و پاسخ و بحث و گفتگو و تاکید به همکاری همه جانبه برای فشار آوردن بر دولتها، در فضایی صمیمی و دوستانه خاتمه یافت.





### شاخه های گل بر رودخانه تایمز لندن گزارشی از آکسیون روز جهانی علیه اعدام

کمیته بین المللی علیه اعدام روز جهانی علیه اعدام را با افشاگری علیه جنایات جمهوری اسلامی گرامی داشت. عصر روز دهم اکتبر پل هانگرفورد بر روی رودخانه تایمز لندن جلوه ای دیگر بر خود گرفت. عابرین این پل، یکی پس از دیگری، با پرتاب شاخه های گل بر رودخانه تایمز لندن، حمایت خود را از خواست لغو مجازات اعدام و از جمله لغو اعدام کبری رحمانپور و نازنین فاتحی به نمایش گذاشتند. در این آکسیون سمبلیک، که بمدت یک ساعت ادامه داشت، عکسهایی از محکومین به اعدام و لیست بلندی از اسامی اعدام شدگان در ایران بنمایش گذاشته شد و جنایات جمهوری اسلامی مورد افشاگری قرار گرفت.

جلیل جلیلی

از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام - لندن



الملل آگاه است که کسانی که علیه مجازات اعدام و از جمله برای لغو سنگسار مبارزه می کنند در معرض فشار و آزار قرار گرفته اند. روز جهانی علیه مجازات اعدام از سوی ائتلاف جهانی علیه مجازات اعدام سازمان یافته است. این ائتلاف، 53 سازمان از جمله عفو بین الملل، کانون های وکلا، اتحادیه های کارگری و مقامات محلی و منطقه ای را در بر می گیرد که در تلاشی مشترک برای رهایی جهان از مجازات اعدام تلاش می کنند.

سند عمومی



محکوم به مرگ به وسیله سنگسار که در این پیکار نامشان برده شده اقدام کرده است. این زنان عبارتند از: اشرف کلهری، پریسا، ایران، خیریه، کبرا نجار، شامه قربانی (که به نام ملک نیز شناخته می شود)، صفرا مولایی، فاطمه، و حاجیه اسماعیلوند. (به اسناد زیر و به روز شده های آنها مراجعه فرمایید:

UA 203/06, MDE 13/083/2006, 27 July 2006; UA 257/06, MDE 13/113/2006, 28 September 2006 and UA 336/04, MDE 13/053/2004, 16 December 2004

شرایط در ایران برای مدافعان حقوق بشر بسیار وخیم است. قوانین ایران به شدت آزادی بیان و اجتماع را محدود کرده است و مدافعان حقوق بشر به خاطر فعالیتشان غالباً در معرض آزار، تهدید، حمله، بازداشت، زندانی شدن و شکنجه قرار می گیرند. بسیاری ممنوع السفر هستند و از خروج آنان از کشور ممانعت می شود. عفو بین

ایران تحت رسیدگی بود تصمیم دایمی گرفته شود. ولی در مه 2003 گزارش رسید که عباس و محبوبه به محکومیت قتل شوهر محبوبه محمدی و به دلیل زنا محصنه - اتهامی که مجازات اعدام به وسیله سنگسار را به دنبال دارد - در گورستانی در مشهد سنگسار شده اند. بخشی از گورستان را از مردم خالی کردند و به قرار اطلاع بیش از 100 نفر از نیروهای سپاه انقلاب و بسیج که قبلاً برای این کار دعوت شده بودند در سنگسار شرکت داشته اند. عفو بین الملل طی نامه ای از ریاست قوه قضائیه در مورد این گزارشها توضیح خواست، ولی تا کنون پاسخی دریافت نکرده است.

جمعی از مدافعان حقوق بشر در ایران که اکثراً زن هستند، شامل فعالان، روزنامه نگاران و حقوقدانان، پیکاری را برای لغو سنگسار آغاز کرده اند. این پیکار به وسیله شادی صدر، یک حقوق دان و مدافع حقوق زنان، رهبری می شود. عفو بین الملل برای دفاع از 9 زن

از صفحه ۱

سوی رئیس قوه قضائیه در سال 2002 مقرر شد، برخی از مقامات ایران برای احیای این رفتار ناپسند تلاش کرده اند.

اعدام به وسیله سنگسار عملی کریه و وحشتناک است. این مجازات که مشخصاً برای افزایش درد قربانی منظور شده است و شدیدترین شکل خشونت یا مجازات خشن، ناعسانی و تحقیرکننده بشمار می رود، خشونت ذاتی اعدام را دوچندان می کند. سنگسار باید لغو شود. من حکومت ایران را فرا می خوانم که به صورت فوری و قاطع این کار را انجام دهد.»

اطلاعات زمینه ای

بنا به گزارش های وقت، در دسامبر 2002 آیت الله شاهرودی رییس قوه قضائیه دستوری خطاب به قاضیان صادر کرد و در آن مقرر داشت که اعدام به وسیله سنگسار متوقف شود تا در مورد تغییر دایمی قانون که در آن موقع ظاهراً از سوی آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

کمپین جلب حمایت برای کبری رحمانپور ادامه دارد

حزب کمونیست کارگری ایران واحد استرالیا ، کمپین جلب حمایت برای کبری رحمانپور را بی وقفه ادامه می دهد و تلاش می کند که اوضاع کبری هرچه وسیعتر عمومی شود و حمایت مردم بیشتری برای کبری جلب گردد. لذا بدین منظور و یک بار دیگر ، واحد حزب در استرالیا امروز در تاریخ 5 اکتبر میز اطلاعاتی دیگری در منطقه بلکتان در غرب سیدنی و از ساعت 12:30 الی 2 بعد از ظهر برگزار نمود که در جریان آن نامه انگلیسی کبری رحمانپور و نامه پدر او و بروشور چگونگی سنگسار زنان در اختیار همگان قرار گرفت. در جریان این میز اطلاعاتی بالغ بر 17 نامه اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی ، از عموم امضا جمع آوری گردید. تمام نامه هایی که تاکنون جمع آوری گردید تدریجا به سفارت جمهوری اسلامی فاکس می گردد. کپی این نامه های جمع آوری شده به نماینده فدرال منطقه پاراماتا و وزیر امور خارجه استرالیا ارسال می شود.

حزب کمونیست کارگری واحد استرالیا

به نقل از رادیو فردا: یک رادیوی ایتالیایی از شنوندگانش درخواست کرده شمع در دست با تجمع در برابر سفارت جمهوری اسلامی ایران در رم در ساعت 19:45 دقیقه پنجشنبه شب، اعتراض خود را به اجرای احکام اعدام و سنگسار به نمایش بگذارند. شماری از تشکیلات و چهره های شاخص ایتالیا از این اقدام معترضان که می کوشند جلوی اجرای حکم اعدام کبرا رحمانپور ، معروف به عروس سیاه بخت را بگیرند ، حمایت کردند. این تظاهرات از سوی یکی از پر شنونده ترین برنامه های شبکه اول رادیوی دولتی ایتالیا ، ژاپینگ ، فرا خوانده شده است. صدها شخصیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و هنری حمایت خود را از این تظاهرات اعلام کرده اند. دهها شهردار نیز گفته اند در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران حضور خواهند یافت. «کبرا را از مرگ نجات دهیم» شعاری است که برگزارکنندگان تظاهرات پنجشنبه شب انتخاب کرده اند. 12 اکتبر برابر با 20 مهر قرار است حکم اعدام کبرا رحمانپور در تهران به اجرا گذاشته شود. آندو فورسجه مجری برنامه رادیوی ژاپینگ که برگزار کننده تظاهرات فردا شب است می گوید مشکلات اقتصادی و در دسرهای روزانه نباید توجه ما را از آنچه در ایران می گذرد، دور سازد و بنابراین ما نباید در مقابل حکم اعدام دختر 25 ساله ای که در عین مقصر بودن خود قربانی خشونت است، ساکت بمانیم. فدراسیون ملی مطبوعات ایتالیا که انجمن صنفی سراسری کارگزاران مطبوعاتی در این کشور است نیز در بیانیه ای حمایت خود را از تظاهرات پنجشنبه اعلام نموده است. خانم سیلویا گلابووا دبیر اتحادیه صنفی خبر نگاران در رم در بیانیه ای از کلیه روزنامه ها و شبکه های خبری ، رادیویی و تلویزیونی خواست ضمن انعکاس گسترش خبر این تظاهرات توجه بیشتری به نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران داشته باشند و با سکوت در رابطه با آنچه در این کشور می گذرد خود را شریک یک حکومت غیر دموکراتیک نکنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام

12 اکتبر 2006

تلفن تماس:

00491775692413

www.adpi.net



امروز مجددا کبرا در شرایط ناامن و با دلهره و اضطراب زندگی میکند. هنوز معلوم نیست چه میشود. ولی آنچه که مسلم است، جمهوری اسلامی جرات نخواهد کرد کبرا را اعدام کند. تمام تلاش ما اینست که حکومت اسلامی نه فقط حکم اعدام را رسماً ملغی کند، بلکه کبرا را از زندان آزاد کند. کبرا رحمانپور هفت سال است که در زندان بسر میبرد و جوانی او در بدترین شرایط و با وحشت اعدام سپری میشود، کبرا باید فوراً از زندان آزاد شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام یکبار دیگر از همگان دعوت میکند به این حکم وحشیانه و ضد انسانی وسیعاً و متحدانه اعتراض کنند.

نفر شنیدند.

در ایران و در بیش از 16 شهر در دنیا میتینگهای اعتراضی گسترده ای بر پا شد. آخرین مورد میتینگ بزرگ اعتراضی در شهر رم پایتخت ایتالیا بود که توجه های زیادی را بخود جلب کرد.

هزاران نامه اعتراضی به دست مقامات حکومتی رسید و طومار اعتراضی و نامه پدر کبرا را در طول چند روز بیش از دو هزار نفر امضا کردند.

به دعوت خانواده های محکوم به اعدام در مقابل دفتر سازمان ملل جمعی برپا شد که در آن ، با وجود حمله سرکوبگرانه نیروهای حکومت و دستگیری چند نفر، مردم تجمع کرده و به جمهوری اسلامی ایران اعتراض کردند.

از صفحه ۱

بخش خبر اینکه جمهوری اسلامی به خانواده کبرا و وکیل او یک ماه فرصت داده است تا رضایت خانواده مقتول را به دست آورند و در غیر اینصورت کبرا به پای چوبه دار میرود، با موجی از اعتراض و مقاومت و انزجار روبرو شد و حکومت اسلامی مجدداً مجبور شد، عقب نشینی کند.

یک ماه گذشته در سراسر جهان و در ایران اعتراضات گسترده ای بر علیه حکم اعدام کبرا در جریان بود. یکبار دیگر نگاهها به کبرا و سرنوشت او معطوف شد. یکبار دیگر مادر و پدر کبرا، امکان یافتند، در مورد فرزند عزیز خود و شرایطی که او را به اینجا کشانده حرف بزنند و درد دل‌های آنها را هزاران و میلیونها نفر



## برنامه های نازنین افشین جم در اروپا برای دفاع از حقوق بشر در ایران

پستالهای آویزان میکنیم که ریاست قضایی ایران را مخاطب قرار خواهد داد و بدینوسیله موقعیت افراد زیر ۱۸ سال را که در حال حاضر در خطر اعدام قریب الوقوع قرار دارند، برملا میکنیم. در طی سخنرانی من از حضار خواهم خواست تا با قیچی نخ کارت پستالهای آویزان شده را ببرند. و بدین ترتیب به شکلی نمایشی آزادی آنها را از ظناب و چوبه های دار نشان خواهیم داد." نازنین در مورد دختر ۱۷ ساله ای که هم نام خودش است حرف خواهد زد که به خاطر دفاع از خود و بردارزاده خردسالش در جهت تجاوز جنسی در مقابل ۳ مرد به مرگ محکوم شده است. برای آزادی این دختر نازنین افشین جم در حدود ۲۰۰۰۰۰ امضا را بر روی شبکه اینترنت جمع آوری نموده که نظر رسانه ها را به خود جلب کرده و حمایت سازمانهای ملل متحده، جامعه مشترک اروپا، پارلمان کانادا و نیز تعداد زیادی از سازمانهای حقوق بشر شامل سازمان عفو جهانی را در پی داشته است. برای حمایت از

از نازنین، فعال حقوق بشر متولد ایران، هنرمند خواننده و ترانه سرا در استودیو بوداگ موزیک، دختر شایسته جهانی کانادا برای شرکت در دو رویداد معتبر در برلین و لندن دعوت به عمل آمده است ...

از نازنین، فعال حقوق بشر متولد ایران، هنرمند خواننده و ترانه سرا در استودیو بوداگ موزیک، دختر شایسته جهانی کانادا برای شرکت در دو رویداد معتبر دعوت به عمل آمده است. در تاریخ هشتم اکتبر در پوتسدامر پلاتس در برلین در مراسم "روز جهانی علیه مجازات اعدام" از سوی سازمان عفو بین الملل، سخنران اصلی خواهد بود که موضوع اصلی سخنرانی وی راجع به مسئله اعدام خردسالان مجرم در ایران خواهد بود. "در این روز ما هشت چوبه دار با ذکر اسم و سن هر یک از هشت نوجوان که سال گذشته در ایران اعدام شدند، بر پا خواهیم نمود. از روی این چوبه ها کارت

میگوید: این ترانه بگونه ای نوشته و اجرا شده که مردم بتوانند احساسات کسانی را که تلاطمی بزرگ را تجربه کرده اند، درک کنند. امید است این ترانه بتواند دیگران را بگونه ای برانگیزد که به یاری افراد محتاج و کسانی که از خود ما کم اقبال تر بوده اند بشتابند. من و خانواده ام بسیار خوش اقبال بودیم که بالاخره توانستیم در کشور کانادا سکنی گزینیم، کشوری که به ما این فرصت را داد تا در آزادی زندگی کرده و زندگیمان را دوباره بنا کنیم. مهم نیست که در زمان فرار از ایران چقدر کم سن و سال بودم، آثار جراحات عاطفی آن هنوز برای سرزمینی که به آن دلبستگی داریم با خانواده من است.

## متن مصاحبه رادیو شراره ها با زهرا حقیقت پژوه و مینا احدی

آقای شاهرودی خواسته بودم که کمک کنید مامانم رو نجات بدید ، حکم مامان متوقف شد که تا الان هم متوقف بوده ولی خوب حدود سه چهار ماه پیش فهمیدیم که دوباره تایید شده اما هنوز پرونده اش به اجرای احکام نرفته الان هم مامان زیاد وضعیت خوبی نداره خیلی اعصاب و روانش خرابه روزی چند تا قرص می خوره دیگه طاقت نداره من و خواهرم هم خودمان تنهایی خیلی برامون سخته.



خیلی ها توی خارج از کشور پشت سر گذاشتی از لحاظ احساسی و عاطفی برای شنونده های ما بگو.

زهرا : مامان حدود پنج سال و نیم پیش به جرم قتل شوهر دومش افتاد زندان بعد از سه سال حکم اعدامش تایید شد. حدود دوسال پیش تا پای دار هم رفت. طبق نامه ای که من از آقای

با سلام و شب بخیر به شما خانم مینا احدی و شما خانم زهرا حقیقت پژوه.

مینا احدی : سلام عرض می کنم. خسته نباشید

زهرا عزیز من در ابتدا خیلی علاقه مند بودم ، من نمیگم خانم زهرا حقیقت پژوه تو عضو خانواده ما هستی دوست دارم بهت بگم زهرا عزیز. امیدوارم این صمیمیت را از ما به عنوان اعضای خانواده خودت قبول بکنی. اعضای خانواده ای که

زهر جان طی مصاحبه ای که با خانم آذر ماجدی داشتی و من شنیدم ، از رادیو پخش کردیم شنیدم برای تامین زندگی و معاشتون با خواهر کوچیکت کارهای خانگی می کنید. آیا هنوز مشغول به همون کارها هستید؟

زهر : بله سبزی پاک می کنیم برای مردم.

زهر جان شما چند سالته ؟

زهر : من بیستساله

الان میدونی یک دختر دیگر بیست ساله به نام کبری رحمانپور درست به سن شما داره اعدام میشه؟

زهر : آره میشناسم کبری را چند بار وقتی می رفتم ملاقات مامان اوین ، دیده بودمشون با خانواده اش آشنا هستم

چه احساسی داشتی ؟ آیا تو اون لحظه احساس نمی کردی که خودت اونور میله ها هستی؟ پهلوی مامان هستی و کبری. به لحاظ همدردی که با اونها داشتی؟

زهر : چرا واقعا چون خیلی سخته می دونم چی می کشند چون خودم مامان را دیدم میدونم کبری هم چی میکشه، چه سختیهایی توی زندگیش می کشید. برای همین خیلی دوست دارم هر چه زودتر نجات پیدا کنه برگرده به آغوش خانواده اش چون واقعا کبری جوونه حیفه این اتفاق براش بیافته

زهر جان اساسا وقتی به مرگ فکر می کنی و به اعدام چه احساسی به تو دست میده حتما برای اتفاقی که برای مامان افتاده و حکم اعدامش صادر شده بارها به پدیده مرگ فکر کردی یا مثلا به صحنه ای که مادر خودتو پای چوبه دار می بینی چه احساسی بهت دست میده؟ به عنوان یک دختر جوان؟

زهر : خیلی زیاد چون واقعا در حد توصیف نیست که بخواهم توصیف کنم بگم چه جوریه چون خیلی سخته نه تنها برای کبری ، برای هرکس دیگه واقعا ، چون کبری هم جوونه.

هر کسی . مامان . همیشه تنها از اینها اسم برد چون خیلی دیگر اززنها هستند که توی زندان پای حکم اعدامند. سخته براشون میدونم. همیشه فکرش را کرد نمیدونم چی بگم واقعا. خواهر کوچولوت چند سالشه؟

زهر : پانزده سالشه

اون چه احساس میکنه ؟ چی میگه؟ باهم وقتی در مورد مامان صحبت می کنید؟

زهر : اون بیشتر ترسش از اینه که مامان اعدام بشه و نتونه بیاد با اون زندگی کنه الان هم واقعا تنها آرزوی هر دو مون اینه که مامان برگرده و بتونیم با هم زندگی کنیم.

بعضی از خاطرات که در مورد مامان با خواهرت داری کدام برجسته تر از همه جلوی چشمتمونه. چی بیشتر جلوی چشم خواهر کوچیکته که چند بار تا حالا در موردش گفته و تعریف کرده خاطراتی که تا حالا داشته؟

زهر : ما حدود شش ماه تو شهر دیگه ، تهران نه ، با مامان سه تایی زندگی می کردیم خیلی زندگیمون خوب بود . همیشه یادشه ، دعا میکنه حرف هم که میزنه میگه دلم می خواد دوباره برای یک بار هم که شده اون زندگی رو با مامان داشته باشیم.

شما بهش چی جواب میدید؟

زهر : خب من دلداریش میدم میگم انشاء الله درست میشه آدم باید همیشه امیدوار باشه.

کی به خودت دلداری میده ، مردم؟

زهر : قبلا نه ولی از عید به این طرف که خانم احدی کمک کرده ، با مردم صحبت کرده خیلی پشتم گرم شده چون مردم رو میبینم که توی روزنامه ها جایی مینویسند خیلی امیدوارتر شدم.

احساس میکنی یک خانواده بزرگتر داری به اسم مردم. نه؟

زهر : بله درسته.

با یکی از کسانی که این مساله را بین مردم برده ، بابت اون خیلی کار کرده ، شبها تا نیمه شب نشسته ایمیل و نامه میفرسته اینور اونور با ایشان صحبت می کنی با خابم احدی، شب شما

خوش خانم احدی.

مینا احدی : شب شما به خیر

خانم احدی اگر ممکنه یک

مقداری در رابطه با مادر زهرا ،

فاطمه حقیقت پژوه و همچنین

کبری رحمانپور برای ما صحبت

کنید و همچنین خبرهایی که اخیرا

از این دو نفر دارید چه هست؟

مینا احدی : آخرین خبر همینه که

حکومت ایران اصرار میکنه سر اعدام

این دو نفر و با وجود اینکه

اعتراضات زیادی شده و مردم دارند

عکس این دو نفر را نشان میدهند و

می گویند اینها نباید اعدام شوند. بر

اساس این فعالیتها ، برای من یک

چیز اثبات میشه و اینکه ما نگذاشتیم

اتفاق بیافته که یک روز بیاد که تو

رادیو بگویند یک قاتل را کشتند. کلمه

قاتل برای اینها اضافیه اینها توی

شرایط مشخصی توی وضعیتی گیر

کردند هر دو تا شون ، فاطمه قبلا

ازدواج کرده دوتا بچه داشته توی یک

خونه داشته زندگی می کرده با یک

مردی و اون مرد وقتی که قصد تجاوز

به دختر اون را داشته توی نزاع

خانوادگی به قتل رسیده. این اتفاقیه که

توی شرایط حاد پیش میاد و طرف

مجبور میشه برای دفاع از امنیت

روچی و جسمی بچه اش به این مساله

دست بزنه. به خاطر همین مردم وقتی

موضوع را می شنوند هیچ وقت قبول

نمی کنند که فاطمه قاتل است و نشسته

و طرح ریزی کرده برای یک قتل

بلکه شرایطش را درک می کنند و

موقعیتش را . میخوام حتما شرایطی

ایجاد بشه برگرده پیش بچه هاش .

مساله بسیار مهم اینه که حقوق بچه ها

، حقوق کودکان باید به رسمیت شناخته

بشه . و جامعه باید واقعا جا داشته

باشه ، تو قلبش جا بگذاره برای بچه

ها. الان فکر کنید که هر دو دختر خانم

حقیقت پژوه تنها دارند زندگی می کنند

هیچ کس تامین آنها را بر عهده

نمیگیره ، جامعه و دولت به طریق

اولی نه فقط راجع به آنها احساس

مسئولیتی نمیکنند بلکه مادرشان را

انداختند زندان و این شرایط وحشتناک

را تحمل کردند . من کاملا می فهمم

احساس زهرا را، نمی شود توصیف

کرد شرایطی که این آدمها توش دارند

زندگی می کنند. اگر دست من بود یک

فیلم درست می کردیم توی هالیوود و

لحظه لحظه زندگی اینها و احساسشون

را نشان می داد و من مطمئنم که

میلیونها نفر گریه می کردند به حال

شرایطی که وادارشون کرده و دارند

توش زندگی می کنند. تصور کنید بچه

ای که نه پدرش با اونه و نه مادرش ،

کار می کنه تا زندگی اش را بچرخاند

تازه هر روز خطر طناب دار روی

گردن مادرشه. این شایسته است این

انصافه برای یک بچه توی اون جامعه

؟ به خاطر همین ما خودمان سعی

کردیم این مساله را مطرح کنیم ،

کمپین بگذاریم و من خوشحالم واقعا که

بچه های اینطوری و خانواده هایی مثل

خانواده کبری رحمانپور الان دیگر

احساس افتخار و امنیت می کنند،

راجع به احساسشون حرف میزنند و

جامعه می پذیره و گوش میده به

حرفشون. طردشون نمیکنه به عنوان

خانواده ای که قتل توش اتفاق افتاده

بلکه نگاه میکنه ببینه شرایط چه

جوری بوده ، نگاه میکنه فقرا

، بدبختی و مکافات را که به اونها

تحمیل شده و در عین حال الان مردم

دارند اعتراض می کنند به حکم اعدام

و من متأسفم که فاطمه تا حالا آزاد

نشده ولی هدف ما آنست که این اتفاق

بیافته فعلا خطر اعدام روی سر فاطمه

هست و روی سر کبری رحمانپور و

حکومت اسلامی داره مقاومت می کنه.

زهرا جان یک سوالی می خواستم

ازت بکنم. چرا این مردم به شما

اینقدر توجه دارند و همدردی نشان

می دهند؟

زهرا : من نمیدانم چی بگم.

فکر نمی کنی به خاطر حقانیت

شماست ؟

زهرا : شاید به خاطر اینه که هنوز

مهربونی تو دل بعضی از آدمها هست

هنوز آدمها ، آدمهای دیگر را دوست

دارند هنوز قلبشون زنده است به

دیگران هم فکر می کنند نه فقط به

خودشون. فکر می کنم بیشتر به خاطر

این باشه که کمک می کنند و به فکر

ما هستند و با ما همدردی می کنند .

فکر می کنی برای آزادی مامان

که به هر حال از شما دفاع کرده ،

از دخترش که تو شرایط بسیار بد

و تحت فشار یک عمل غیر انسانی

و حیوانی از طرف یک مرد دیوانه

چون آدمها بی که فقط دیوانه اند این کار را می کنند ، یک آدم وحشی فقط میتونه این کار را انجام بده و غیر از این نمیتونه چیز دیگه ای باشه. تو فکر می کنی مردم چه کار باید بکنند برای آزادی مامان و کبری که هم سن خودت هست و پشت میله های زندان ، اونطرف وقتی که رفتی ملاقات مامان اون رو دیدی؟

**زهر ا :** می دونید بعضی از آدمها هستند که ناخواسته درگیر این قضیه شدند و از روی عمد نبوده ، یکی مثل مامان ، مثل کبری . برای همین از مردم می خوام هر جوری که می تونند کمک کنند حتی با نوشتن یک نامه ، چیزی که از دستشون بر میاد کمک کنند تا جان مامان و کبری را از مرگ نجات بدهند .

زهر ا جان وقتی هر کدام از ما از هر ملیتی ایرانی ، سوندی ، آمریکایی و هر ملیتی در هر سنی که توانایی واکنش داره وقتی می بینه که یک نفر داره میره زیر ماشین و ماشین با سرعت داره حرکت می کنه ، داد می زنه و خبر می ده که مواظب باش و به هر حال یک واکنش نشون میده . فکر می کنی که مردم توی این حالت اگر که ما شرایط را برابر کنیم با شرایطی که مامان داره ، کبری داره و یک کامیون سنگینی به نام جمهوری اسلامی داره با سرعت حرکت می کنه ، از روی اینها رد میشه ، بدون اینکه توجه بکنه که اینها حق زندگی دارند ، چه احساسی به تو دست میده ؟

**زهر ا :** اگر کسی باشه که بخواد به آدم کمک کنه و بخواد جلوی کامیون رو بگیره و آدم رو نجات بده ، واقعا آدم خوشحال میشه ولی اگر نه مثل اینها که میخوانند آدم را اعدام کنند حالا آدم گناهکار هم باشه ، من فکر نمی کنم درست باشه که چون حالا زده یک نفر را کشته میتونند دیه اش را بگیرند ، به اون حبس ابد بدهند یا هر جور دیگه ای . دیگه چرا ببینند اعدامش کنند آن هم یک زن را . اگر اینها هم مثل کشورهای دیگر باشند و آنقدر فکرشان باز باشه که مجازات اعدام

را از توی قانونشون پاک کنند واقعا عالی میشه .

**تو خودت چقدر حاضر هستی زحمت بکشی و فعالیت کنی به عنوان یک دختر بیست ساله برای لغو مجازات اعدام ؟**

**زهر ا :** من چون خودم تو اون موقعیت قرار داشتیم می دونم چه سختی داره برای خانواده آدم . زندانی یک جور سختی می کنه ولی خانواده اش یک جور دیگه . اگه اون قراره یک بار اعدام بشه من خودم روزی هزار بار اعدام میشم میرم پای چوبه دار . هر کاری که بتونم و هر چیزی که از دستم بر بیاد تلاش می کنم یک جور این حکم از توی قانون جامعه اسلامی پاک بشه .

**خانم احدی شما فکر می کنید که زهر ا آیا می تونه موفق بشه که مادرش رو خارج از زندان ببینه ؟ چه کار باید بکنیم ؟**

**مینا احدی :** مادر این رابطه در هر حال بارها گفتگو کردیم ولی الان شرایط تنگتر شده و خیلی نزدیکتر شده به اجرای این احکام

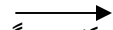
**فکر می کنید چه کار باید کرد ؟**

**مینا احدی :** یک مسئله مهم به نظر من اینه که ما باید بگیریم که مایی که این ور خط ایستادیم ، مایی که امکان تحرک و انجام دادن مجموعه ای از فعالیتها را داریم باید بگیریم که ما نمی گذاریم . من الان در کمیته بین المللی علیه اعدام کار می کنم ، تجربه سالیانی که دارم این کارها را می کنم اثبات کرده که وقتی می گوییم ما نمی گذاریم این اتفاق بیافته همین یک فضایی را ایجاد می کنه یک تحرکی را که هر امکانی را بهش دست می بریم که جان آدمها را نجات بدیم دیشب در شرایطی که مثلا ساعت بیست دقیقه به هفت تو رادیوی بی سی گفتند که یک پسر جوان به نام سینا را می خوانند امروز تو تهران اعدام کنند ساعت چهار صبح و یک نفر راننده تاکسی دوست خودم تو شهر فرانکفورت که اسمش سعید است خبر را شنیده بود و به من زنگ زد ، ما هفت ساعت وقت داشتیم و خبر را نگرفته بودیم . میدونستیم سینیایی هست که 18 سالشه و ممکنه اعدام بشه ولی نمیدونستیم که همین امروز . ما تا ساعت 3 نصفه شب

مشغول بودیم و مجموعه ای از کارها را انجام دادیم که گزارشش را هم برای سایتها و سازمان ها فرستادم ، تماس گرفتیم با کسانی که ما را می شناسند و خلاصه با نازنین افشین جم با هم این کار را کردیم و سه نصفه شب وقتی بود که تو ایران اون باید اعدام میشد و ساعت 6 صبح وقتی تماس گرفتیم با ایران ، اعدامش نکرده بودند . این اتفاقی که افتاده بود ما با سازمان ملل تماس گرفتیم و سازمان ملل با خانه او در ایران تماس گرفت و این حکم اجرا نشد. به نظر من میشه جلوی اجرای احکام اعدام را گرفت ، وقتی مردم به میدان بیایند و اعتراض کنند . من اینجا قول می دهم به زهر ا و به خودم حق میدهم که از طرف همه کسانی که کمپینهای مختلف را دارند پیش می برند قول بدهم که ما نمیگذاریم فاطمه را اعدام کنند، این را قبلا اعلام کردیم و تجربه اثبات کرده وقتی روی یک مورد دست می گذاریم و در موردش تظاهرات سازمان می دهیم ، عکسش را چاپ می کنیم و ملاقات می کنیم با نمایندگان پارلمانها و غیره ، نجات پیدا می کنند چون جمهوری اسلامی جرات نمیکنه این آدمها را اعدام کنه. نکته ای که در مورد فاطمه و کبری مطرحه اینه که طولش میدهند هر بار می گویند دوباره بررسی می کنیم ، دوباره حکم اعدام دوباره بررسی. این بازی است که با ما در می آورند و باعث میشه که خانواده اش و فردی که زیر اعدامه عملا خرد بشه . این اتفاق را نباید بگذاریم پیش بیاد . تصور کنید یک روز فقط آدم تو زندان هر لحظه فکر کنه الان میرندش اعدامش کنند و تصور کنید یک مادر که دو تا بچه دارد و بچه هاش کس دیگه ندارند که دل آن مادر قرص باشه که به آنها می رسند و در حال مجموعه ای از نیازهایی که آن دو بچه دارند و به همین دلیل آن مادر شدیدا تحت فشاره و من با خانواده های زیادی تماس دارم و با محکومین به اعدام زیادی که مجبور میشوند قرص بخورند. نازنین 18 ساله یک دختر خیلی جوانه ولی اینقدر قرص خورده که مادرش میگفت سخته کرده در حالیکه 18 سالشه و این شرایط و فشارها هیچ کس نمیتونه تحمل کنه ما باید کاری کنیم که هر چه زودتر فاطمه آزاد بشه حرف من اینه .

نه فقط حکم اعدامش لغو بشه بلکه آزاد بشه و ما هیچ چیزی نداریم جز قدرتی که تظاهرات کنیم ، نامه اعتراضی بنویسیم پارلمانهای اروپایی را تحت فشار بگذاریم تا آنها با دولت ایران تماس بگیرند و کاری کنند که این محکومین به اعدام آزاد شوند . خانم احدی، فرار بود توی تهران یک **تجمع اعتراضی صورت بگیره در روز گذشته، آیا این صورت گرفت؟**

**مینا احدی :** در رابطه با اینکه حکم اعدام کبری رحمانپور خیلی حاد شده و دولت یک ماه فرصت داده به ما و وکیلش که با خانواده مقتول تماس بگیریم و رضایتش را جلب کنیم ، من کسی هستم که با خانواده مقتول ، با اکثرشان صحبت کردم نه وکیلش تماس گرفت و نه کس دیگه ولی ما این کار را کردیم و آخرین حرفشان اینه که رضایت نمی دهند. ولی من همیشه گفتم که همان حکومتی که قتل تو دستت و زندان درست کرده را می توان تحت فشار قرار داد که حکم اعدام را لغو کند. موقعیت کبری بسیار حساسه و الان فقط یک هفته فرصت داریم ، کمپینش خیلی گسترده پیش رفته . دیروز تظاهراتی بود از طرف چندین نهاد و تشکل فراخوان داده شده بود، به هر حال تعدادی رفته بودند در این تظاهرات ولی از طرف خود خانواده های این محکومین به اعدام، از جمله خانواده خانم حقیقت پزوه و خانواده کبری رحمانپور و خانواده نازنین می خوانند برونند در مقابل در سازمان ملل و روز یکشنبه ساعت 5 بعد از ظهر زمانی که ما صحبت کردیم با نمایندگان سازمان ملل که نه فقط اینها که تعداد بیشتری می خوانند برونند. ما تماس گرفتیم با خیلی از خانواده هایی که محکوم به اعدام دارند و در عین حال از مردم دعوت کردیم که این خانواده ها را تنها نگذارند ، همراهیشان کنند اینها میروند و نماینده سازمان ملل را میبینند . امیدوارم که این اتفاق بیافته ، مذاکره کنند و اسامی عزیزانشان را بدهند . ما با سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر نشست داشتیم و دیروز دخالت آنها و فشار ما باعث شد سینا نجات پیدا کنه . الان ما می خواهیم از



این ارتباط استفاده کنیم و بگیم که این افراد، دیگر اینقدر با سرنوشت اینها بازی نکنند، فوری باید آزاد شوند و زهرا یکی از کسانی که با سرگذشت مادرش و با عکس مادرش می‌خواد بره تو اون نشست با مقامات سازمان ملل حضور داشته باشه و از اونها بخواد که کاری کنند تا مادرش هر چه زودتر آزاد بشه

**زهرای عزیز شما مصمم هستی که بری اونجا نه؟**

زهرا: بله.

**با دوستها و آشناها صحبت کردی که قصد همچین کاری داری؟**

زهرا: بله.

**اونا چی گفتن؟ گفتن می آیند همراه تو؟**

زهرا: بله می آیند. خیلی هم خوشحال شدند و گفتند شاید بشه به این طریق یک کاری کرد که مامان زودتر خلاص بشه از این زندان. میدونید که شما با اینکه بیرون هستید و توی حکومت نیستی ولی میدونی که توی وضعیتی قرار داری که می‌تونی اگه محکم بایستی و ذره ای عقب نشینی نکنی، با جسارت بایستی و بگی من خواهان این هستم که مادر من آزاد بشه و بیگناها، میتونی این کار را انجام بدی و من تنها توصیه و خواهشم اینه ازت که حتی صحبت از دیه نکن. هیچ کس حق نداره از شما دیه بگیره، اصلا دیه معنی نداره به خاطر کاری که مادر تو کرده. مادر تو کار بدی نکرده، یک واکنش انسانی بوده میتونسته هر انسانی این کار را انجام بده، میتونسته برای من پیش بیاد یا برای خاتم احدی یا برای هر انسانی میتونه پیش بیاد، یه واکنشی که آدم یک لحظه از خودش نشون میده. شما هیچ وقت نباید احساس کنی که دینی داری که بخوای دیه بدی.

اصلا صحبت از این چیزها نیست مادر شما باید بی قید و شرط و فوراً آزاد بشه همانطور که کبری باید آزاد بشه. شما می‌دونی

**کبری سرنوشتش چه جوری بوده و تو چه خانواده ای رفته، قرص بهش می‌دادند می‌خورده و از حالت عادی خارج بوده**

**زهرا: درسته سرنوشت کبری را می‌دانم.**

**فکر می‌کنی پدر و مادر کبری باید خواهش بکنند از برادرهای همسر سابقش که رضایت بدنند؟**

زهرا: نه به نظر من جامعه ما باید قانونش یک طوری می‌بود که تو یک همچین وضعی زمانی که چنین کسانی دستگیر می‌شدند وقتی حرفشان را می‌شنوی که به خاطر چی این کارها را انجام دادند، آن موقع آزادشان می‌کرد و کار به اینجا نمی‌رسید که آدم برای کسی که از خودش کمتر و کوچکتره بخواد جلوش خودش رو بندازه زمین و ازش خواهش کنه که دختر من یا مادر من رو ببخشه.

**زهرا جان من می‌خواهم کمی جلوتر بروم از این قضیه، تو میدونی که روز 8 مارس روز جهانی زن است و هر سال زنها جمع می‌شوند و از حق و حقوق خودشان دفاع می‌کنند؟**

زهرا: بله.

**چه احساسی داری با این تجربیاتی که پشت سر گذاشتی، فکر نمی‌کنی همه زنها باید تو این روز جمع بشوند، از همدیگر حمایت کنند و با هم متحد شوند؟**

زهرا: چرا، وقتی که همشون با هم دست به دست هم بدن به نظر من میتونند خیلی از مشکلاتی که دارند تو جامعه شان، میتونن از خودشون دفاع کنند، مشکلاتشون رو حل کنند. و هر جور که دوست دارند و اونطور که لایقشون هست زندگی کنند.

**الان شما مدرسه می‌روید؟**

زهرا: نه.

**الان شما فقط کار می‌کنید؟**

زهرا: بله.

**در ماه چقدر هزینه مخارج شما و خواهر کوچولوت است؟**

زهرا: نمی‌دونم تا حالا این جوری حساب نکردم.

**اگر یک زندگی خیلی معمولی بخوای داشته باشی، تامین**

**مخارج پوشاک، مسکن و غذایان باشد، توی حد معمولی فکر می‌کنی در ماه چقدر کمک هزینه احتیاج داری؟**

زهرا: اگر آدم بخواد خیلی صرفجو باشه و محتاط باشه خیلی زیاد نمی‌شه، شاید در ماه 150 تا 200 هزار تومان ولی خوب اگر آدم خیلی بخواد بلند پروازی کنه خیلی بیشتره.

**دوست داشتی که الان دخترهایی که همسن و سال شما هستند یعنی خواهر کوچولوی تو پانزده سالشه و تو بیست سالته، بعدا که ما برنامه را توی سوند و جاهای دیگه روی سایت می‌گذاریم و آنها صدای شما را می‌شنوند، به آنهایی که اینجا در کمال آزادی زندگی می‌کنند درس میخوانند دانشگاه می‌روند و کار می‌کنند و دارند برنامه را با آرامش گوش می‌کنند، اگر به جای آن دخترهایی بودی که دلشان میخواد بروند جشن و می‌روند، هر کاری که دلشان میخواد می‌کنند و الان دارند صدای تو را می‌شنوند، پیامت چیه؟ به اون دخترها، برای آزادی مادرت و کبری، برای دفاع از حقوق زنهایی که الان تو زندان هستند پیام شما چیه؟**

زهرا: خب ازشون میخوام که دعا کنند. هر کسی به زبان خودش و هر جوری که میدونه دعا کنند و از خدا بخوانند هر جوری که از دستشون بر میاد کمک کنند. نه تنها مادر من بلکه آدمهای دیگری هم من دیدم اینجا که میایند زندان، دخترهای دیگری را هم دیدم، حالا ما سایه دایبهم و مادر بزرگ رو سرمون بوده و با ما بودند و مراقبمون بودند. خیلی دخترها بودند که همون موقع که من می‌رفتم زندان، اونها هم می‌آمدند حالا واقعا خیابانی شدند و وضعیت درستی ندارند. دعا کنند و کمک کنند تا مادر دخترها برگردند رو سرشون و باهم هر جور که دوست دارند زندگی کنند و آزاد باشند که رو به کارهای خلاف نیاورند.

**چه احساسی به تو دست میده وقتی به اعتقاد خودت می‌بینی که این وضعیت برای مادرت پیش اومده و برای کبری و امثال زنهای**

**دیگه و تو جامعه این فشار روی زنها هست اما این یک وضعیت ناعادلانه است، وضعیت غیر انسانی است و خدا به قول خودت این رو میبینه اما کاری نمیکنه و فقط منتظر دعای مردم است. فکر می‌کنی چه احساسی به تو دست میده وقتی خدا اینهمه بی حرکت و میایسته؟**

زهرا: خب اول درکش برام خیلی سخت بود چون هر موقع دعا می‌کردم به خدا می‌گفتم خدایا تو که می‌بینی من گناهی تو زندگی مرتکب نشدم یا خواهر کوچکم واقعا معصوم و پاکه پس چرا جوابمون رو نمیدی و مادرمون رو بهمون بر نمی‌گردونی ولی بعد باز گفتم شاید صلاحته، شاید آزمایشمون می‌کنه خودم هم به سته آمدم چرا جوابمو نمیدی چرا مادرم رو بهم بر نمی‌گردونی.

**قرار شده که خدا فقط نصف کره زمین که زنها هستند را آزمایش کنه؟ من می‌دونم ته دلت چه جوریه زهرا جان من دوست داشتم روی خط فقط یک صحبت دوستانه باهم داشته باشیم به هر حال من دوست دارم که یک بار دیگه یک پیامی ازت بگیرم برای زنها و دخترهایی که صدای تو را می‌شنوند. حالا آن قسمتی را که در مورد خدا بود گفتی اونا اگر قرار باشه خودشون یک کاری بکنند و مثل تو بروند جلوی دفتر سازمان ملل بایستند چه پیامی داری براشون اگه الان در خونتون، روپروت ایستاده بودند چه می‌گفتی؟**

زهرا: ازشون خواهش می‌کردم و می‌گفتم منم الان تنهام حالا که قراره یکشنبه تظاهرات بشه همتون بیاید کمک کنید شاید صداها مون باهم به یک جایی برسه و جوری بشه که مامان و حتی کبری نجات پیدا کنند **خاتم احدی شما می‌دونی که توی این هفته در روز شنبه در استکهلم و روز جمعه در مالمو و یوته بوری و سایر شهرهای اروپا و آلمان حرکتی اعتراضی و**





انجام بشه علیه اعدام در ایران و برای نجات جان کبری رحمانپور و فاطمه حقیقت پژوه و سایر زنهایی که در آستانه حکم اعدام قرار دارند از جمله شهلا جاهد و بسیاری دیگر که 16 نفر هستند ، در این رابطه آیا اقدامات دیگری صورت گرفته یا قرار شده که بگیرد؟

مینا احدی : همین که در سراسر دنیا اعلام تظاهرات کردیم ، به نظر من مهمه که ما در کانادا ، لس آنجلس و همینطور آلمان ، در کانادا : در تورنتو، مونترال و اتاوا ، در هفت هشت شهر تظاهرات خواهد بود و در سوئد و کپنهاک ، در سوئیس و هلند تظاهرات میشه و این یک حرکت بین المللیه . دوست دارم زهرا اگه مامانش را ملاقات کرد بهش بگه که برای نجات جان این عزیزان که اسماشون رو گفتیم،قراره در 25 یا 26 شهر در سراسر دنیا تظاهرات سازمان داده بشه در عین حال ما ملاقاتهایی خواهیم داشت ، با کمیسون حقوق بشر ، پارلمان اروپا و همین طور سازمان ملل و سازمان عفو بین الملل بارها و بارها صحبت کردیم و همه این خبرها ، حرکتها تاثیر جدی خواهد داشت بر اینکه فشار اعمال بشه تا این عزیزان آزاد بشوند . نکته ای که به نظر من مهمه ، اینها به اندازه کافی عذاب کشیدند ، به اندازه کافی نه ، به اندازه خیلی زیادی رنج و عذاب کشیدند . دیگه کافیه به خاطر همین ما می خواهیم که هرچه زودتر آزاد بشوند ، نمی گیم که حکم اعدامشون لغو بشه ، ضمن اینکه حکم اعدام باید لغو بشه ، در زندان باید باز بشه و اینها برگردند به سر خونه و زندگی خودشون . این تظاهراتها به خاطر این است و امیدوارم که خیلی گسترده و وسیع برگزار بشه . یک نکته مهم اینه که مثلا وقتی ما در استکهلم تظاهرات اعلام می کنیم خیلی مهمه که صدها یا هزاران نفر شرکت کنند و توی مطبوعات انعکاس پیدا کنه در این صورت به گوش دولتها می رسه و در عین حال فشار میاره به حکومت اسلامی که سریعتر عقب نشینی کنه . من دوست دارم این را

این را بگویم اگر انسانی در سلول مرگ نشسته و آخرین روزها و لحظات را گذرانده و حتی طناب دار را بر گردنش انداختند و از این شرایط اومده بیرون و آزاد شده فقط به خاطر اعتراضات بوده . هیچ چیز دیگری این انسانها را نجات نداده ، فقط به خاطر فشار بوده اگر افسانه نروزی به عنوان نمونه الان از زندان اومده بیرون و داره زندگی می کنه و صاحب یک بچه شده ، یک بچه سه ماهه داره و در آرامش داره زندگی می کنه همون افسانه ای که در سلول مرگ در بندر عباس نشسته بود و آخرین لحظات زندگی اش را نوشته . این مدیون اعتراضات ، مبارزات و فشارهایی است که در سطح بین المللی و در ایران بر علیه حکم اعدام که اسم درستش قتل عمد دولتی است یعنی دولتها قتل انجام می دهند بر علیه این در سرتاسر دنیا در جریان بوده . به هر حال ایدوارم و درخواستم از همه عزیزان که پای صحبت ما نشستند و این گفتگوی متاثر کننده و جالب را گوش کردند ، صحبتهای زهرا را شنیدند ، از همه این عزیزان می خواهم در تظاهراتی که در استکهلم هست ، شرکت کنند و به هر طریق ممکن کمک کنند که ما شرایطی فراهم کنیم که زهرا و خواهر کوچکش ، مادرشان را در کنارشان داشته باشند و یک زندگی عادی و بهتری را بتوانند پیش ببرند .

**زهرا جان اگر شما صحبتی ندارید من می دونم ایران دیر وقته و متاسفم از اینکه این موقع شب مزاحم شما شدم ولی مسئله ، مسئله مامان هست و مسئله همه ما هم هست ، مثل یک خانواده خواستیم با هم باشیم ، این خانواده رو بزرگتر کنیم و بتونیم دردمون رو تقسیم کنیم . یکی از آرزو هامون اینه که روز یکشنبه شما تشریف می برید انجا جلوی سازمان ملل اینجا هم در خارج از کشور از جمله در استکهلم روز شنبه ساعت یک مردم بیایند جلوی پارلمان سوئد ، بتونیم در آنجا حضور داشته باشیم و اعتراض بکنیم علیه این حرکت غیر انسانی که داره صورت می**

گیره ، حکم اعدام مامان ، کبری و سایر کسانی که به دلیل این جور جرایم در زندان هستند و یا جرایم سیاسی حتی به خاطر نظر و عقیده ، اعتراض بکنند . اگر در پایان این گفتگو شما صحبتی دارید خواهش می کنم بفرمایید فقط من یک کلام به شما بگویم که شما مثل دختر من ، مثل دختر مینا احدی هستید و مثل دختر و خواهر همه شنونده ها هستید ، عضو خانواده ما هستید ما نه تو و نه مامان و نه کبری و نه دیگران رو هرگز تنها نمی گذاریم این را مطمئن باش

**زهرا : خلی منون ، خیلی خوشحال شدم امیدوار هستم با یک مقدار تحمل و شکیبایی که داری ، با اون قدرتی که توی وجودت ، تو صدات آدم احساس می کنه اینقدر محکم و قاطعانه ایستادی و اعتقاد داری به این که مادرت باید آزاد بشه و با امید به اینکه صحبت از دیه نکنی و بگی که مادر من بیگناهه و باید آزاد بشه و من این آزادی رو می خواهم ، خواهش هم نمی کنم این حق مادر منه و قاطعانه بایستی در کنار کسانی که می خواهند به تو کمک کنند . باز با هم گفتگو بکنیم ، خبرهای خوب و صدای نازنین خنده خودت و خواهرت و مامان را بشنویم .**

**زهرا : خلی منون ، دستتون درد نکنه از اینکه به فکر ما هستید ما وظیفه مون رو انجام می دیم زهرا جان زهرا : متشکرم شب خوبی داشته باشی**

**زهرا : منون خانم احدی شما تشریف داشته باشید . خانم احدی صرف نظر از همه اینها من مسئله دیگری به ذهنم رسید ، یک وقتهایی به این مسئله فکر کردم مثل همه شما ، فکر می کنم همه ما بتونیم بفهمیم همدیگر را ، یک وقتهایی احساسات خودم را با سیاست**

قاطی می کنم ولی یک وقتهایی به خودم حق می دهم و فکر می کنم از احساس و عاطفه بوده که وارد سیاست توی این عصر و مدافع مسئله آزادی و برابری انسانها شدم . وقتی که با زهرا صحبت می کردیم از وضعیتش سوال کردم ، می گفت با ماهی 150 تا 200 هزار تومان می تونه زندگی کنه ، من تخمین زدم و فکر کردم اگر حتی 300 هزار تومان این دو تا بچه بتونند داشته باشند در ماه می تونند حد اقل زندگی رو داشته باشند . زهرا می تونه حداقل درسش رو ادامه بده و خواهرش همینطور ، توی خونه نشینند سبزی پاک کنند ، سرخ کنند و نظافت این خونه اون خونه رو انجام بدهند . یک مقداری به لحاظ روحی بتونیم آرامش این دو بچه رو که قربانی هستند فراهم کنیم ، اگرچه مثل این دو تا در ایران فراوان هستند ، در جهان ، ولی این دو نمونه ثابت جلوی ما هستند . من فکر می کنم شاید کردم ماهی سه هزار کرون می شه الان با توجه به شنونده هایی که صدا را دارند می شنوند ، اگر شما هم موافق باشید یک شماره حسابی در نظر بگیریم ، در ماه هرکس هر چقدر توانایی دارد مقداری بریزد به حساب این دو تا بچه تا موقعی که مادرشون آزاد می شه و در کنارشون باشه بتونیم ماهی 300 هزار تومان را تامین کنیم

مینا احدی : من خوبه اینجا این موضوع را مطرح کنم که به طور مستقیم که کمیته علیه اعدام با این خانواده تماس داره بعضی وقتها مجبور میشیم به خاطر اینکه بتونند بروند ملاقات مادرشون ، چون مادرشون توی زندان اوین بود و به خاطر درگیری که پیش اومد براش ، نمی دونم این خبر را شنیدید که دو سه بار از خواب بیدارش کرده

بودند نصف شب و گفته بودند بیا می خواهیم اعدامت کنیم و این یک هفته مدام اتفاق افتاد ، می بردند لباس را تنش می کردند ، از خواب بیدارش می کردند دوباره وسط راهرو برمی گرداندند و می گفتند نه این اشتباه بود و این چند بار که تکرار شد ، مادرشان یک حالت عصبی بهش دست داد و شیشه ها را شکسته بود . توی سلول که بودند به خاطر این او را تنبیه کردند و بردند زندان گورهدشت که الان دورتر است و اگر می خواهند ملاقاتش کنند باید پول زیادی خرج کنند و یک مدت زهرا نمی توانست بره ملاقات و ما برای او پول تهیه می کردیم و می فرستادیم ولی یک مدت نکردیم این کار را چون همینطور که شما گفتید اگر مردم کمک کنند و امکانات را در اختیار ما بگذارند ، ما این کار را می کنیم اگر نه نمی کنیم . زهرا یک مقداری ناراحت بود این اواخر و فکر می کرد باید بیشتر از این نه به فکر وضعیت مالی ، بیشتر باید به فکر مادرش باشیم ، بیشتر اسمش رو مطرح کنیم . الان خوشحاله که یک بار دیگر داریم اسم مادرش رو توی کمپین ها می آوریم و قراره بریم پیش سازمان ملل . بسیار مهمه که ما بتونیم از نظر مالی تامینشون کنیم ، همانطور که گفتم حتی بعضی وقتها پول تلفن نداره که با مادرش تماس بگیره و یا به مادرش باید پول بدهند تا بتونه از توی زندان با اینها روزی دو تا سه دقیقه حرف بزنه . همه اینها مشکلات بسیار ملموس و عینی و روزمره هست که اینها با آن مواجه هستند . من می دونم که مشکلات زیادی هست ، می دونم که اینهایی که پای صحبت ما نشستند بالاخره خودشان با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند ولی به هر حال ما که در اروپا زندگی می کنیم ، این امکان را داریم و حتی میشه که دو سه تا خانواده بگویند که ما به عهده می گیریم و این اتفاق در اروپا می افتد که مثلا یک خانواده میگوید که ما این دو تا بچه را به عهده می گیریم و یک مدت خرجشان را میدهیم ، 300 یورو یا 3000 کرون پول زیادی نیست ، اگر چند نفر با هم دست به دست بدهند و هفت هشت ماه

خرج این خانواده را به عهده بگیرند ، به نظر من این امکان پذیر هست و امیدوارم که دوستانی که علاقمند به کمک هستند با شما تماس بگیرند و یا این جنبش را راه بیاندازیم که حتما تماس بگیرند کسانی که امکان رساندن پول را دارند و حتی مستقیم می تونیم این امکان را فراهم کنیم و برسانیم . به هر حال کمیته علیه اعدام شماره حسابی داره در سوئد و از همه خواهش می کنم به اون شماره حساب کمک کنید . ما فعالیتهایمان خیلی خرج داره ، فکر کنید هر روز باید تلفن زده بشه برای دهها خانواده که عزیزانشان ممکنه که اعدام بشوند و هیچ کس نمی تونه تصور کنه ما که در اروپا هستیم ببخشید قطع می کنیم چون پول تلفن نداریم . باید مثل سنگ صبور پای صحبتشون نشست و درد دلهاشون را گوش کرد ، هر روز بهشون زنگ زد و خودشون می گویند دلشون تنگ میشه اگر چند روز زنگ نزنید و احوالشون را نپرسید . از این گرفته تا سفرها ، سازمان دادن و ملاقات کردن ها همه خرج داره و ما واقعا با نهایت فداکاری از جیب خودمون این خرجها را می کنیم و هرکسی که فکر می کنه کار ما کار خوب و انسانی ، هرکسی که فکر می کنه این گفتگو یک ذره به دلش نشسته و احساس نزدیکی می کنه با ما ، ازش خواهش می کنم دست به جیب برده و به ما کمک کنه برای اینکه جان انسانهای بیشتری را نجات بدهیم و برای اینکه زهرا و زهراها را شرایطی برایشان فراهم کنیم که یک ذره راحتتر زندگی کنند

من شماره حساب کمیته بین المللی علیه اعدام را اعلام می کنم در طول برنامه و بازهم یک ربع فرصت می گذارم برای عزیزانی که قصد دارند تماس بگیرند و اعلام کنند . از دوستان عزیز خواهش می کنم اگر دوست دارید به صورت مستمر کمک کنید ، صرف نظر از احساساتی شدن و فکر می کنم اگر دوست دارید اول یک لیوان آب بخورید و ببینید که احساساتان فروکش می کنه یا نه بعدا تماس بگیرید .

چون دوستانی بودند در تماسهای قبلی می گفتند من 200 یا 300 کرون می دهم و همون بار اول میدهند و بعد خداحافظ شما و اگر واقعا احساس می کنید که می خواهید در این کار انسانی سهم داشته باشید ، حتی اگر این کار را هم نکنید من مطمئنم شما در بسیاری از کارهای انسانی دیگر سهمیم هستید ولی اگر برای همین مورد مشخص یعنی تامین زندگی این دو بچه می خواهید کمک بدهید و به کمیته بین المللی علیه اعدام کمک مالی کنید ، با من تماس بگیرید و خودتان را معرفی کنید و بگویید ماهی چقدر می دهید . مشخصات به من بدهید و من بتونم با شما در تماس باشم ، اگر به شماره کمیته علیه اعدام پول می ریزید ، بنویسید که برای تامین زندگی زهرا و خواهرش هست و یا برای کمک به خود کمیته هست . هردو مثل همه و یک جا میره . ولی الان مشخصا در ته دل خود من ، من مدنظرم این دو تا بچه است . من می فهمم خیلی مخارج دیگه هست . الان من تماس داشتم با ایران و ارتباط مستقیم بود ، با کارت نبود ولی با تمام این احوال حاضریم با شرایط بدی که داریم ، خود من در توانایی مالی خیلی بدی که قرار دارم ماهی 300 کرون برای این دو تا بچه بدهم . هیچی هم ندارم ، حالا اشک شما و شنونده ها را درنیارم ولی واقعا وضع مالی من بده ولی اگر الان 300 نفر پیدا بشوند و نفری ده کرون بدهند ، تمام است و برعکس اگر ده نفر و نفری 300 کرون بدهند . اینها واقعا بیان کردندش زشته برای ما روی خط اما فقط به همین بسنده می کنم که این کمپین را تنها نگذارید ، این بچه ها را تنها نگذارید . همه اینها کار میبره و در سطح یک مصاحبه رادیویی نیست . اینها ملزومه اش نامه نوشتن ، تلفن زدن و کارهایی است که خانم

احدی و بسیار دیگر از رفقای ما دارند انجام می دهند . دستشون درد نکنه فکر نکنید الان این کارهایی که داره انجام میشه ساده است و شاید یک تا دو ساعت در روز وقت ببره ، بسیاری از ساعات شبانه روزی کسانی که در این رابطه فعالیت می کنند رو وقت می بره . خانم احدی شما یک کمپین یک میلیون امضاء هم راه انداختید

مینا احدی : من راه نیانداختم ، این کمپین در ایران اعلام شده . من در موردش دو سه تا مطلب نوشتم . یک کمپین هست در ایران که می خواهند یک میلیون امضاء جمع کنند برای تغییر قانون و اعتراض علیه مصوبات دیگر دارند . یک شب دیگر در این مورد بحث می کنیم . الان به من علامت می دهند که این گفتگو را اگر میشه تمام کنم . نمی دونم برنامه شما چی هست

من از شما سپاسگذارم و ما هم \_ حرف دیگری نداشتیم ، چیزهایی که باید گفته میشد را گفتیم . آرزوی موفقیت و پیروزی برای شما دارم و پشتکار با انرژی بیشتر برای ادامه فعالیتها .

مینا احدی : خیلی ممنون از این فرصتی که در اختیار ما گذاشتید ، امیدوارم که این گفتگو روی شبکه های مختلف بره . به نظر من تاثیر داره . توی تظاهرات و اعتراضاتی که در خارج اتفاق افتاده و در داخل ایران برگزار میشه ، پس از شنیدن صحبتهای زهرا به نظر من حتما تعداد بیشتری علاقه مند می شوند توی حرکت شرکت کنند .

با تشکر از شما و آرزوی \_ ملاقات هر چه بیشتر ایرانیان در تظاهراتی که در سرتا سر اروپا و آمریکای شمالی برپا میشه و شبیه همین هفته ساعت یک در مقابل پارلمان استکهلم برگزار میشه . به شما شب بخیر میگم

مینا احدی: شب شما بخیر

تهیه و تنظیم : بابک فرمند